

بخش دوم

تاریخ ایران در قرون جدید و معاصر

ایران در عصر صفویه

مقدمه

تشکیل حکومت صفوی در ابتدای قرن دهم هجری قمری، رویدادی بسیار مهم و تعیین کننده در تاریخ ایران به شمار می رود. حکومتی که بیش از دو قرن دوام آورد و آثار و نتایج اساسی آن عبارت بود از: تمرکز و ثبات سیاسی؛ فراگیر شدن تشیع به عنوان مذهب رسمی؛ رونق و شکوفایی اقتصادی و فرهنگی و برقراری روابط سیاسی و اقتصادی پایدار با همسایگان و دولت های اروپایی. در این درس مهم ترین تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران در دوران حکومت صفویان مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

زمینه های تشکیل حکومت صفوی

هجوم مغولان و تشکیل حکومت ایلخانان در ایران دو پیامد مذهبی و اجتماعی مهم را به همراه داشت که در درازمدت زمینه را برای تشکیل سلسله صفویه فراهم کرد:

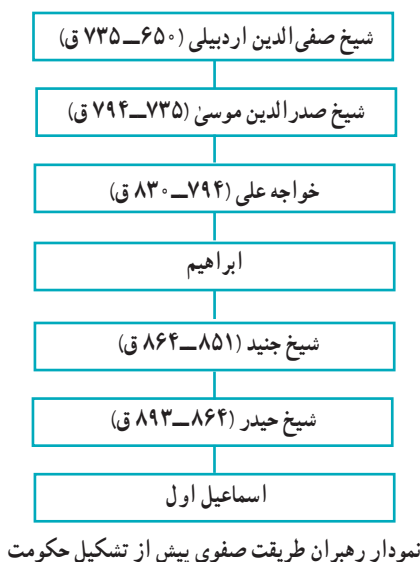
الف) هرج و مرج اجتماعی و نابسامانی اقتصادی زمینه گسترش دنیاگریزی و رونق جریان تصوف را فراهم آورد.

ب) در نتیجه دگرگونی سیاسی و فرهنگی، شیعیان فرصت یافتند تا اندیشه های شیعه را در ایران تبلیغ و ترویج کنند.



بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی در شهر اردبیل

طریقت^۱ صفوی از جمله طریقت‌های صوفیانه بود که توسط شیخ صفی‌الدین اردبیلی در شهر اردبیل تأسیس شد. هدایت صوفیان پس از شیخ صفی‌الدین به شکل موروثی در خاندان او باقی ماند. طریقت صفوی در زمان جانشینان شیخ صفی در سراسر ایران، آسیای صغیر و سوریه گسترش یافت و مریدان زیادی را جذب کرد. رهبران طریقت صفوی به واسطه مقام معنوی و نفوذ اجتماعی، مورد احترام و تکریم فرمانروایان و حاکمان بودند؛^۲ البته در مواردی نیز مورد غضب و حسادت آنان قرار می‌گرفتند. طریقت صفویان در دوران رهبری شیخ جنید و پسرش شیخ حیدر (نیمه دوم قرن ۹ ق.)، متأثر از شرایط سیاسی و اجتماعی ایران، به نهضتی سیاسی و مذهبی تبدیل شد. پیروان طریقت صفوی، برخلاف رویه معمول صوفیان که از امور دنیا و سیاست گریزان بودند، خانقاه را ترک کردند و وارد رقابت‌های سیاسی و نظامی شدند. بیشتر آنان را اعضای چندین قبیله ترک و ترکمان تشکیل می‌دادند که به قزلباش^۳ معروف شدند. در همین دوران بود که صفویان آشکارا به مذهب تشیع گرایش نشان دادند.



-
- ۱- طریقت به تشکیلات مذهبی - اجتماعی گفته می‌شد که مرکب از تعدادی صوفی بریده از دنیا، تحت عنوان مرید بود که در خانقاه به گرد رهبری معنوی (مراد) جمع می‌شدند و به انجام و اجرای اعمال خاصی مانند ریاضت، عبادت و ذکر می‌پرداختند.
 - ۲- تیمور بعد از جنگ آنقوره و پیروزی بر سپاه عثمانی، به دیدار شیخ علی رهبر طریقت صفویان در اردبیل رفت و به درخواست وی اسرای این جنگ را آزاد کرد.
 - ۳- قزلباش به زبان ترکی یعنی سرخ‌سر. شیخ حیدر برای مریدان ترک زبان خویش، کلاه سرخ رنگی با دوازده ترک - به نشانه دوازده امام شیعیان - ابداع کرد و به همین جهت به قزلباش معروف شدند. هواداران خاندان صفویه با افتخار این لقب را پذیرفتند. قبایل روملو، شاملو، نکلو، اُستاجلو، ذوالقدر، قاجار و افشار مهم‌ترین قبایلی بودند که هسته اصلی نیروی قزلباشان را تشکیل می‌دادند.

تأسیس حکومت صفویه



شاه اسماعیل اول صفوی

اگرچه نخستین کوشش‌های سیاسی و نظامی صفویان به بهای قتل شیخ جنید، شیخ حیدر و شماری از مریدان آنان در صحنه جنگ انجامید، اما تجربه خوبی برای نهضت صفوی در راه کسب قدرت سیاسی بود. اندکی بعد، قزلباشان، به دور اسماعیل فرزند شیخ حیدر گرد آمدند. آنان پس از پیروزی در چند جنگ

مهم، تبریز پایتخت آق‌قویونلوها را تصرف کردند و اسماعیل در آنجا به تخت نشست و به‌طور رسمی سلسله صفوی را تأسیس کرد.

اولین اقدام شاه اسماعیل بعد از تاج‌گذاری در سال ۹۰۷ ق. رسمی کردن مذهب شیعه بود. وی سپس با تصرف قسمت‌های زیادی از فلات ایران، حکومتی متمرکز و قدرتمند را بنیان نهاد. این حکومت در عرصه خارجی با دو رقیب سرسخت روبه‌رو بود:

۱- ازبکان در منطقه ماوراءالنهر؛ شاه اسماعیل بر آنها پیروز شد و مرزهای شرقی ایران را تثبیت کرد.

۲- امپراتوری عثمانی در غرب ایران؛ اولین رویارویی نظامی صفویان با عثمانیان در منطقه چالدران رخ داد که در نتیجه آن سپاه صفوی به سختی از لشکر عثمانی به فرماندهی سلطان سلیم شکست خورد و تبریز، پایتخت صفویان برای مدتی به اشغال نیروهای عثمانی درآمد. اتخاذ تدابیر رزمی نامناسب، مجهز بودن سپاه دشمن به سلاح‌های آتشین و شمار کمتر سپاهیان صفوی، علل اصلی شکست ایران در آن جنگ بودند. ضربه روحی ناشی از این شکست برای شاه اسماعیل خردکننده بود، به‌طوری که پس از آن در هیچ جنگی، فرماندهی را به‌عهده نگرفت و حتی از کارهای روزمره حکومت نیز کناره گرفت.

دوران تثبیت حاکمیت صفوی

بعد از مرگ شاه اسماعیل اول، پسرش تهماسب که یازده سال بیشتر نداشت، به سلطنت رسید. در ده سال اول سلطنت شاه تهماسب، اوضاع حکومت صفوی بسیار آشفته و نابسامان بود؛ زیرا از یک طرف، سران قزلباش با سوءاستفاده از خردسالی شاه، خودسری پیشه کرده، وارد رقابت و ستیز با یکدیگر شدند و از طرف دیگر نیروهای ازبکان و سپاه عثمانی نیز از دو سمت به مرزهای ایران هجوم آوردند.

۱- جایی در حوالی شهر کنونی خوی در استان آذربایجان غربی.



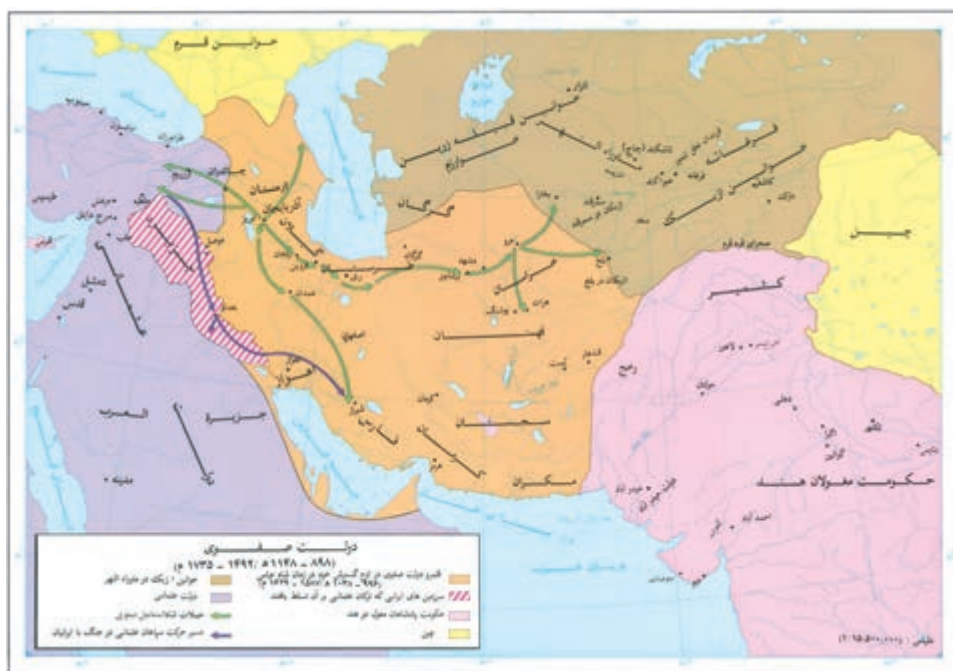
شاه تهماسب اول صفوی

شاه تهماسب به تدریج زمام قدرت را به دست گرفت و به خودسری سران قزلباش پایان داد. او همچنین از بکان را شکست داد و با اتخاذ تدابیر مناسب، مانع موفقیت سپاه عثمانی در هجوم‌های مکرر به قلمرو ایران شد.^۱ در نتیجه چنین تدابیری بود که امپراتور عثمانی دست از جنگ برداشت و با انعقاد قرارداد آماسیه، برای مدتی میان دو کشور صلح برقرار شد. بدین گونه شاه تهماسب توانست با اتخاذ تدابیر

مناسب در دوران پنجاه و چهار ساله سلطنت خود، پایه‌های حکومت صفوی را تثبیت و تحکیم سازد.

دوران اقتدار حکومت صفویه

پس از مرگ شاه تهماسب، در دوران کوتاه سلطنت شاه اسماعیل دوم و سلطان محمد خداپسند، بار دیگر حکومت صفوی دچار بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی شد. از این رو، هنگامی که نوجوان دیگری از خاندان صفوی به نام عباس اول به سلطنت رسید، اوضاع داخلی و خارجی ایران پریشان بود.



۱- انتقال پایتخت از تبریز به قزوین با هدف دوری از دسترس دشمن و در پیش گرفتن سیاست زمین‌های سوخته از جمله آن تدابیر بود.

شاهزاده خوش اقبال

شاه اسماعیل دوم در ادامه سیاست نابودی و قتل عام فرزندان ذکور خاندان صفوی، علیقلی خان شاملو را مأمور کشتن عباس میرزا کرد. وی که چندان تمایلی به انجام این کار نداشت، به هرات آمد و موقتاً شاهزاده را زندانی کرد. پس از دوازده روز قاصد شاه اسماعیل دوم از راه رسید و دستور اکید شاه را مبنی بر قتل عباس میرزا به علیقلی خان ابلاغ کرد، ظاهراً با وساطت مادر علیقلی خان که قتل در ماه رمضان و شب جمعه را بدیمن می‌شمرد، خان شاملو اجرای فرمان را به صبح روز بعد موکول کرد، اما چون صبح فرا رسید، خورشید اقبال عباس میرزا نیز طلوع کرد و قاصدی از قزوین خبر مرگ اسماعیل دوم و جلوس محمد خدابنده را به اطلاع رسانید و عباس میرزا از مرگ حتمی نجات یافت. خان شاملو نیز سرپرستی عباس میرزا را برعهده گرفت.

ولی قلی بیگ شاملو، قصص الخاقانی، ترجمه سیدحسن سادات ناصری، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،

۱۳۷۵، ص ۱۲۰.

از یک سو سران قزلباش به جان یکدیگر افتاده بودند و تلاش می‌کردند که شاه را بازیچه اغراض و اهداف طایفه‌ای و قبیله‌ای خود قرار دهند و از سوی دیگر، عثمانی‌ها و ازبکان نیز بخش‌هایی از نواحی غربی و شرقی کشور را اشغال کرده بودند. شاه عباس اول برای سامان بخشیدن به اوضاع آشفته کشور اقدامات زیر را انجام داد:

۱- پایان دادن به سرکشی و طغیان امرای قزلباش؛

۲- انتقال پایتخت از قزوین به اصفهان به منظور تسلط بیشتر بر

نواحی مختلف ایران؛

۳- نوسازی سازمان سپاه صفوی؛

شاه عباس اول با استفاده از غلامان گرجی یک سپاه مستقل

به وجود آورد که تنها به شخص شاه وابسته و وفادار بود. سپاه جدید به

توپ و تفنگ نیز مجهز شد.



شاه عباس اول صفوی



سکه دوره شاه عباس

۴- بهبود اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از طریق ایجاد امنیت، آرامش و ثبات سیاسی؛
۵- انتصاب افراد با کفایت و در عین حال گمنام به سمت‌های سیاسی، اداری و نظامی.

شاه عباس پس از سامان دادن به اوضاع داخلی، آماده‌ی مقابله با دشمنان خارجی شد. از آنجایی که درگیری همزمان با دو دشمن در شرق و غرب ایران، احتمال موفقیت را کاهش می‌داد، ابتدا با عثمانی صلح کرد. پس از آن به خراسان لشکر کشید و با وارد آوردن

ضربه‌ای سنگین بر ازبکان، مناطق اشغالی را آزاد کرد. وی، سپس برق‌آسا سپاه صفوی را به آذربایجان برد و با غافل‌گیر کردن نیروهای عثمانی، سرزمین‌های اشغالی ایران را از آنان باز پس گرفت. این اقدامات سبب شهرت و محبوبیت شاه عباس اول در ادبیات عامیانه و خاطره‌تاریخی مردم ایران شده است. با این حال شاه عباس اول نیز عاری از خطا و اشتباه نبود. بی‌اعتمادی او به اعضای خانواده، به‌ویژه پسرانش، کشتن و کور کردن شاهزادگان صفوی و محبوس کردن آنان در حرمسرا، سبب شد که بعد از مرگ وی، حکومت صفویه از وجود حاکمان با کفایت و مدبر محروم گردد و به تدریج زمینه سقوط این سلسله فراهم شود.

یک توضیح

رابطه رنگ لباس شاه و حالات روحی او

آنتونی و رابرت شرلی که در زمان پادشاهی شاه عباس اول به ایران آمده و مدتی در خدمت وی بودند، در شرح حال این شاه صفوی نوشته‌اند:

«حالات پادشاه از لباسی که هر روز می‌پوشد، قابل فهم است. روزی که لباس سیاه می‌پوشد، در حال فکر کردن بوده و معمولاً خوش رفتار است. اگر لباس سفید یا سبزی یا زرد یا الوان به‌تن کند، نیز نشان از بهاشخت و نشاط روحی او دارد، اما زمانی که لباس سرخ رنگ می‌پوشد همه اطرافیان و درباریان در بیم و هراسند و هر لحظه منتظر مرگ هستند».

سفرنامه‌ی برادران شرلی، ترجمه‌ی آوانس، به کوشش علی‌دهباشی، انتشارات نگاه، ۱۳۶۲، ص ۹۷.



به نظر شما پیامد سیاسی اقدام شاه عباس در زندانی کردن شاهزادگان صفوی در

حرمسرا چه بود؟

دوران ضعف و انحطاط صفویه

شاه صفی، نوه و جانشین شاه عباس اول از تعادل روحی و سلامت عقل بهره کافی نداشت. در دوران پادشاهی او مناطقی مانند قندهار و بغداد از ایران جدا شد و سردار باکفایتی چون امام قلی خان حاکم فارس به فرمان وی به قتل رسید. شاه عباس دوم، پسر و جانشین شاه صفی نیز اگر چه کاردانی و لیاقت بیشتری نسبت به پدر داشت و حتی موفق شد قندهار را باز پس گیرد، اما کم تجربگی و عدم تعادل شخصیتی، او را به انجام برخی کارهای نسنجیده واداشت و روند ضعف حکمرانی صفویه شتاب بیشتری پیدا کرد.

شاه سلیمان نیز از کودکی در حرمسرا به سر برده و با امور و اصول کشورداری بیگانه بود. به همین دلیل در زمان سلطنت او، زنان و خواجه‌سرایان نفوذ زیادی داشتند و در اداره امور کشور دخالت می‌کردند. در نتیجه نفوذ و دخالت آنان، شاهزاده حسین میرزا که فاقد کفایت و درایت لازم بود، به عنوان جانشین وی انتخاب شد.

در دوران زمامداری شاه سلطان حسین، حکومت صفویان به نهایت ضعف و انحطاط رسید. از این رو، گروهی از افغانان فرصت را مغتنم شمردند و در قندهار سر به شورش برداشتند. شورشیان با آگاهی از بی‌کفایتی شاه و اختلاف و درگیری میان مقام‌های کشوری و لشکری، راهی اصفهان شدند و پایتخت صفوی را به محاصره خود درآوردند. شاه صفوی، به ناچار، تاج از سر خود برداشت و بر سر محمود افغان، سردسته شورشیان نهاد و چندی بعد به دست اشرف افغان، جانشین محمود، به قتل رسید.

جدول شاهان سلسله صفوی و دوران حکومت آنان

نام شاهان	دوران پادشاهی
شاه اسماعیل اول	۹۰۷-۹۳۰ ق
شاه تهماسب اول	۹۳۰-۹۸۴ ق
شاه اسماعیل دوم	۹۸۴-۹۸۵ ق
شاه محمد خدابنده	۹۸۵-۹۹۶ ق
شاه عباس اول	۹۹۶-۱۰۳۸ ق
شاه صفی	۱۰۳۸-۱۰۵۲ ق
شاه عباس دوم	۱۰۵۲-۱۰۷۷ ق
شاه سلیمان	۱۰۷۷-۱۱۰۵ ق
شاه سلطان حسین	۱۱۰۵-۱۱۳۵ ق

فرهنگ و تمدن دوره صفویه

صفویان وارث میراث غنی فکری و فرهنگی گذشته ایران بودند. وجود امنیت و ثبات سیاسی، بهبود اوضاع اقتصادی به‌ویژه در عصر شاه عباس اول، و نیز حمایت مادی و معنوی شاهان و حاکمان از عالمان، دانشمندان و هنرمندان، زمینه و شرایط لازم را برای شکوفایی علم و هنر در آن دوره فراهم آورد.



سی و سه پل اصفهان

مذهب تشیع نیز در عصر صفوی، تأثیر اساسی بر حیات فرهنگی و تمدنی ایران گذاشت. بر اثر حمایت و تشویق حکومت صفوی، مجتهدان شیعه از جبل عامل لبنان و عراق به ایران مهاجرت کردند. در نتیجه کوشش عالمان دین، مدارس و مراکز علمی متعددی در ایران به‌وجود آمد و آموزه‌ها و معارف مکتب تشیع، تبلیغ و ترویج شد. همچنین در آن

دوره، کتاب‌های ارزشمندی به رشته تحریر درآمد؛ شیخ بهایی کتاب «جامع عباسی» و علامه مجلسی مجموعه عظیم «بحارالانوار» را تألیف و تدوین کردند. حکمت و فلسفه نیز سیر تعالی پیمود؛ میرداماد، فلسفه این سینا را در قالب تازه‌ای احیاء کرد و ملاصدراى شیرازی نیز فلسفه و حکمت را رونق بخشید. شعر و ادب فارسی نیز در ایران و فراتر از آن در هندوستان و عثمانی شکوفا شد. همچنین در این دوره، کتاب‌های تاریخی فراوانی با تأثیرپذیری از تاریخ‌نویسی عهد تیموری نوشته شد.

در عصر صفوی، هنر ایرانی نیز رونق و شکوفایی یافت. معماری از جلوه‌های اصلی هنر آن دوره بود. ساخت کاخ‌ها، پل‌ها، کاروانسراها، مدارس، مساجد، مقبره‌ها، کلیساها و باغ‌ها نه تنها به عمران و آبادانی کشور کمک کرد، بلکه سبک و شیوه جدیدی در هنر معماری پدید آورد. اوج شکوفایی معماری صفوی در اصفهان، پایتخت صفویان متجلی شد و خاطره و شکوه شهرهایی چون تخت جمشید، تیسفون و سمرقند را زنده کرد. هنر نقاشی نیز مورد حمایت جدی دربار صفوی بود. در آن دوره، هنرمندان برجسته‌ای نظیر کمال‌الدین بهزاد، رضا عباسی و میرعماد پرورش یافتند و آثار ارزنده‌ای در رشته‌های مختلف هنری خلق کردند. هنرهای کتاب‌سازی، جلدسازی، تذهیب، خطاطی، خوشنویسی، سفال‌سازی، فلزکاری، فرش‌بافی نیز از دیگر هنرهای بودند که در عصر صفوی رونق بسزایی داشتند.



نمونه‌ای از خط میرعماد خوشنویس دوره صفوی



قالی اردبیل مربوط به دوره صفوی

روابط خارجی صفویان

در آستانه پیدایش سلسله صفویه تحولات مختلفی در سطح منطقه‌ای و جهانی در حال وقوع بود که بر روابط ایران با همسایگان و سایر کشورها اثر گذاشت. در آن زمان، امپراتوری عثمانی در اوج قدرت قرار داشت و با ادعای جانشینی خلافت اسلامی، به دنبال حاکمیت بر جهان اسلام و گسترش قلمرو خود در قاره اروپا بود. عثمانیان سنی مذهب از تشکیل حکومت قدرتمند شیعی در ایران، بسیار ناخشنود بودند. به همین دلیل روابط امپراتوری عثمانی با حکومت صفوی در بیشتر اوقات خصومت‌آمیز بود و از همان سال‌های نخست تأسیس حکومت صفوی تا زمان سقوط صفویان، بارها میان دو حکومت، جنگ‌های بزرگی در گرفت.

روابط صفویان با همسایه دیگر خود در شمال شرق ایران (ماوراءالنهر) یعنی حکومت ازبکان نیز خصمانه بود. هر زمان که ارتش عثمانی از غرب به ایران هجوم می‌آورد، ازبکان نیز از شرق ایران را مورد تاخت و تاز قرار می‌دادند و با ویران کردن شهرهای خراسان، مردم آنجا را قتل عام می‌کردند. شاه‌عباس اول چنان ضربه مهلکی بر آنان وارد آورد که تا اواخر حکومت صفوی جرئت نکردند به قلمرو ایران دست اندازی کنند. برخلاف حکومت‌های عثمانی و ازبکان، رابطه صفویان با حکومت گورکانی هند بسیار دوستانه بود و دو کشور روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی گسترده‌ای با یکدیگر داشتند.

در دوره صفویه روابط ایران و کشورهای اروپایی وارد مرحله تازه‌ای شد. همزمان با تشکیل حکومت صفوی در ایران، دولت‌های اروپایی فعالیت‌های استعماری خود را آغاز کرده و به دنبال تحقق اهداف اقتصادی و سیاسی خود در سایر قاره‌ها از جمله آسیا بودند. در این اوضاع و احوال، فتوحات امپراتوری عثمانی در خاک اروپا، علاوه بر آن که موجودیت برخی از کشورهای اروپایی را تهدید می‌کرد، مانع اساسی برای رسیدن اروپاییان به آسیا بود. از این رو، دولت‌های استعمارگر اروپایی که در اندیشه دست‌یابی به مواد خام و بازار فروش کالاهای خود در شرق بودند، با دور زدن قاره آفریقا، خود را به اقیانوس هند و خلیج فارس رساندند. پرتغالی‌ها اولین استعمارگرانی بودند که به خلیج فارس رسیدند. آنان اندکی پیش از تشکیل حکومت صفوی، جزیره هرمز را اشغال کردند و کوشش‌های شاه اسماعیل اول برای بیرون راندن آنان به نتیجه نرسید. شاه عباس اول با کمک کشتی‌های انگلیسی، موفق به اخراج پرتغالی‌ها از خلیج فارس شد. البته اولین برخورد حکومت صفوی با انگلیسی‌ها چندان دوستانه نبود و شاه تهماسب اول، آنتونی جنکینسون نماینده تجاری آن کشور را با توهین و تحقیر از ایران اخراج کرد.^۱ پس از آمدن

۱- انگیزه برخورد شاه تهماسب با آنتونی جنکینسون سیاسی بود تا مذهبی؛ زیرا در همان زمان نمایندگان سلطان سلیمان عثمانی نیز

در دربار صفویه حضور داشتند و رفتار توهین‌آمیز شاه صفوی با فرستاده انگلیس صحنه‌سازی برای جلب فرستادگان عثمانی بوده است.

برادران شرلی^۱ به دربار شاه عباس اول، تمایل شاه ایران برای ایجاد ارتباط سیاسی و اقتصادی با انگلستان بیشتر شد و بازرگانان آن کشور اجازه پیدا کردند تا در ایران به تجارت بپردازند.

در اواخر حکومت صفوی هلندیان و فرانسویان نیز در خلیج فارس به رقابت تجاری پرداختند، اما در نهایت این انگلیسی‌ها بودند که رقبای خود را کنار زدند و انحصار تجارت در خلیج فارس را از آن خود کردند.

روابط ایران و روسیه نیز در دوره صفوی با فراز و فرود همراه بود. شاه عباس اول خواهان ایجاد ارتباط بازرگانی با روسیه شد و تزار روسیه نیز از این مسئله استقبال کرد. اما در زمان شاه عباس دوم حضور مأموران سیاسی روسیه به عنوان بازرگان و هجوم گروهی از قزاق‌ها به مازندران، روابط دو کشور را تیره کرد. در دوران حکومت پطرکبیر در روسیه که مقارن با فرمانروایی شاه سلطان حسین بود، روس‌ها سیاست توسعه طلبانه خود را طراحی کردند.

پرسش‌های نمونه

- ۱- روند تبدیل طریقت صفوی را به نهضتی سیاسی و مذهبی در سه سطر توضیح دهید.
- ۲- شاه اسماعیل اول برای تثبیت مرزهای ایران چه اقداماتی انجام داد؟
- ۳- سیر تغییر پایتخت در دوران حکومت صفویه چگونه بود؟
- ۴- مهم‌ترین اقدامات شاه عباس اول را برای بهبود اوضاع داخلی ایران بنویسید.
- ۵- دلایل ناکامی جانشینان شاه عباس اول در زمینه حکمرانی چه بود؟
- ۶- روابط خارجی صفویان را با همسایگان شرقی و غربی آن مقایسه کنید.

اندیشه و جست‌وجو

- ۱- به نظر شما مهم‌ترین دلایل و عوامل سقوط صفویه کدام‌اند؟
- ۲- درباره هنر نقاشی در دوره صفویه مطلبی تهیه کنید.

۱- در بیشتر منابع و تحقیقات دوره صفویه گفته شده است که آنتونی و رابرت شرلی با انگیزه‌های شخصی و اغراض ماجراجویانه به ایران آمدند. اما تأمل دقیق‌تر در زندگی این دو برادر و به‌ویژه آنتونی، نشان می‌دهد که آنها به‌طور غیررسمی سفیران انگلستان بودند.

ایران از سقوط صفویه تا پایان حکومت زندیه

مقدمه

سقوط سلسله صفویه، پیامدهای ناگواری برای جامعه ایرانی داشت. حکمرانی چون آمیز محمود و اشرف افغان هم بر وخامت اوضاع افزود. در آن شرایط، نیروهای روسیه و عثمانی بخش‌هایی از سرزمین ایران در شمال و غرب را اشغال کردند در شرایطی که از تهماسب دوم شاهزاده صفوی به تنهایی کاری بر نمی‌آمد، نادر افشار به او پیوست تا ایران را از آن شرایط سخت و دشوار برهاند.

دوران سلطنت نادرشاه

نادر از افراد ایل افشار بود که قبیله‌اش نقش مهمی در به قدرت رسیدن صفویه داشت. او دوران



نادرشاه افشار

جوانی خود را در خدمت حاکم ایبورد گذرانیده بود و مقارن شورش افغانان و سقوط اصفهان، بر بخشی از خراسان حکومت می‌کرد. هنگامی که تهماسب، شاهزاده صفوی از نادر درخواست کمک کرد، به همراه سپاهیان خود به خدمت وی درآمد. مهم‌ترین رویدادهای زندگی نادر در این مرحله عبارت است از:

- ۱- از میان برداشتن فتحعلی خان رئیس ایل قاجار و رسیدن به مقام فرماندهی سپاه تهماسب دوم
- ۲- شکست دادن اشرف افغان و پراکنده کردن

نیروهای او



کاخ نادر در کلات مشهد

۳- پس گرفتن سرزمین‌های اشغالی ایران از روسیه و عثمانی

نادر پس از آن، همهٔ سران قبایل و حکمرانان محلی را به دشت مغان در آذربایجان دعوت کرد تا تکلیف سلطنت ایران را مشخص کنند. او به شرط موروئی بودن پادشاهی در خاندان خویش و عدم حمایت بزرگان و قبایل از خاندان صفویه، به سلطنت رسید.

نادرشاه بعد از سر و سامان دادن به اوضاع داخلی و جانشین کردن فرزندش رضاقلی میرزا، به طرف قندهار لشکر کشید تا آرامش را در مرزهای شرقی ایران برقرار سازد، اما دامنهٔ این لشکرکشی به کشور هند نیز کشیده شد. وی با پیروزی بر هندیان در نبرد کرنال، شهر دهلی را تسخیر و با جواهرات و غنایم فراوان به ایران بازگشت. شاه افشار بعد از ذخیره کردن غنایم هند در منطقهٔ کلات خراسان، برای سرکوب شورشیان عازم نواحی ترکستان و ماوراءالنهر شد. لیکن بدبینی که بر وجود او مستولی شده بود، بسیاری از آرزوهای وی و جامعهٔ ایرانی را بر باد داد. بنیانگذار سلسلهٔ افشاریه، سرانجام با توطئه برادرزاده و همکاری چند تن از امرا و سرداران خویش به قتل رسید.

بدون شک نادرشاه آرزوهای بزرگی داشت و در زمان خویش فرماندهی زبده و شجاع به شمار می‌آمد. او قصد داشت تازمینهٔ رشد تجارت را در ایران فراهم کند. حتی می‌خواست بوشهر را به مرکز نیروی دریایی ایران تبدیل کند.



قلمرو افشاریان (نادرشاه)

فکر کنیم و پاسخ دهیم

به نظر شما چرا اخلاق و رفتار نادرشاه در طول فرمانروایی تغییر کرد؟

حکمرانی کریم خان زند

کریم خان یکی از افراد ایل زند بود که بعد از یک دوره بیست ساله جنگ و گریز بر دیگر مدعیان



دربار کریم خان زند

و رقیبان پیروز شد. او پس از اقامت کوتاه مدت در اصفهان و تهران، شیراز را به عنوان تختگاه حکمرانی خویش انتخاب کرد. کریم خان در این مرحله از حیات سیاسی خویش دست از جنگ و ستیز برداشت. وی برخلاف سنت معمول از پذیرفتن عنوان شاهی نیز امتناع کرد و خود را وکیل مردم ایران نامید.^۱

۱- کریم خان در ابتدا خود را وکیل الدوله خواند که به منزله وکالت از طرف دولت صفوی بود، سپس لقب وکیل الرعایا را برگزید که به معنای نماینده مردم بود. ر.ک. سفرنامه نیبور، ص ۲۰۷ / رستم التواریخ، ص ۳۸۳.

کریم خان برای بهبود شرایط اقتصادی و برقراری امنیت سیاسی و آرامش اجتماعی اقدامات زیر را انجام داد :

- ۱- سرکوب مدعیان و رقیبان داخلی
 - ۲- ساختن اماکن تفریحی و مذهبی مانند باغ دلگشا، حمام وکیل، بازار و مسجد وکیل
 - ۳- تلاش برای بهبود تجارت خارجی از طریق بنادر خلیج فارس
 - ۴- نظارت بر بازار و برقراری ثبات در قیمت کالاهای مورد نیاز مردم
 - ۵- احترام به عالمان دینی و هنرمندان
- کریم خان زند در حالی از دنیا رفت که به نقل یکی از معاصرانش، «خوبی او هزار بود و بدی او یک». ^۱ وی به دلایلی چون مدارا با رقیبان، همدردی با رعایا، ساده زیستی، رفتار مناسب با اقلیت های مذهبی و حمایت از عالمان، شاعران و هنرمندان، نام و نشان نیکی در تاریخ ایران از خود به جای گذاشت.



قلمرو زندیان

۱- روزنامه میرزا محمد کلانتر، ص ۶۸.

انقراض سلسله زندیه



ارگ کریم‌خانی

بروز جدال و ستیز میان بازماندگان کریم‌خان، بر سر قدرت، توان نظامی و اقتصادی حکومت زندیه را کاهش داد و زمینه را برای قدرت‌یابی آقامحمدخان قاجار در نواحی شمالی ایران فراهم آورد. لطفعلی‌خان آخرین فرمانروای خاندان زند، اگر چه در جنگاوری و شجاعت و دلاوری سرآمد بزرگان روزگار خویش بود، اما به سبب جوانی و کم‌تجربگی، دوستان و اطرافیان خود را

رنجیده‌خاطر کرد. همین امر، سبب رویگردانی بسیاری از بزرگان شیراز از جمله حاج ابراهیم‌خان کلانتر از وی شد. لذا هنگامی که او برای یافتن حامیان جدید در خارج از شیراز بسر می‌برد، آقا محمدخان در سومین حمله خود به پایتخت زندیه، شیراز را تصرف کرد. لطفعلی‌خان، ابتدا به کرمان و سپس به بم گریخت، اما در آن شهر به چنگ نیروهای خان قاجار افتاد و به طرز فجیعی کشته شد. با مرگ وی دوره فرمانروایی زندیه به پایان رسید.

بیشتر بدانیم

خدمت و خیانت کلانتر به زندیان

بیشتر محققان و مورخان رویگردانی حاج ابراهیم‌خان کلانتر از لطفعلی‌خان زند را عامل مهم در سقوط سلسله زندیه می‌دانند، اما لازم است بدانیم که او نقش فراوانی در تثبیت و تحکیم سلسله زندیه برعهده داشت. وی همچنین علاوه بر حمایت از جعفرخان و کمک به لطفعلی‌خان برای رسیدن به قدرت، دو بار نیز در مقابل حمله آقامحمدخان به شیراز از لطفعلی‌خان زند حمایت کرد.

اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران افشاریه و زندیه

گرفتاری طولانی مدت ایران در جنگ‌های داخلی و خارجی بعد از سقوط اصفهان و به‌ویژه در دوران زمامداری نادرشاه، زندگی اقتصادی و اجتماعی ایرانیان را بسیار آشفته و نابسامان کرد. از یک سو،

نامنی و بی‌ثباتی و از سوی دیگر افزایش مالیات‌ها برای تأمین هزینه‌های سنگین جنگ، تولید و بازرگانی را از رونق انداخت.

بی‌مهری نادرشاه نسبت به عالمان شیعه و هنرمندان، باعث مهاجرت گسترده آنان به عتبات عالیات و هند، و در نتیجه رکود فعالیت‌های علمی و فرهنگی شد. مرگ نادر و ستیز افراد و گروه‌های مختلف برای رسیدن به قدرت، نیز اوضاع سیاسی و اجتماعی و اقتصادی ایران را آشفته‌تر کرد. آرامش، امنیت و ثبات نسبی که در دوران کریم‌خان زند بر بخش‌هایی از ایران حکمفرما گردید، موجب شد که اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کمی بهتر شود. بر اثر حمایت و تشویق کریم‌خان، فعالیت‌های عمرانی، کشاورزی و بازرگانی تا حدودی رونق یافت. گروهی از عالمان و هنرمندان مهاجر، به ایران بازگشتند و شهرهای شیراز و اصفهان بار دیگر کانون علم و ادب و هنر شدند.



بازار وکیل — شیراز

روابط خارجی ایران در عصر افشاریه و زندیه

همزمان با دوران حکومت نادرشاه، تکاپوهای استعماری دولت‌های اروپایی وارد مرحله جدیدی شده بود، اما گرفتاری نادر در جنگ‌های پیاپی، مانع از توجه او به مناسبات سیاسی و اقتصادی با کشورهای اروپایی به جز روسیه شد. روس‌ها که بعد از سقوط صفویه بخش‌هایی از شمال ایران را تصرف کرده بودند، با ملاحظه شجاعت و قدرت نظامی نادر و سپاهیانش، از مناطق اشغالی عقب نشستند و تلاش کردند روابط دوستانه‌ای با ایران برقرار کنند.

مناسبات نادر با عثمانی آمیزه‌ای از جنگ و مذاکره بود. سپاهیان تحت امر نادر، ارتش عثمانی را از مناطق وسیعی از سرزمین‌های اشغالی ایران عقب راندند، اما تلاش‌های نظامی و سیاسی نادر برای رفع اختلافات مذهبی با عثمانی و بازگرداندن عتبات عالیات به قلمرو ایران، نتیجه‌چندانی نداشت.

روابط ایران و عثمانی در دوران زندیه نیز چندان دوستانه نبود و هنگامی که کریم خان زند بصره را تصرف کرد، مناسبات دو طرف خصمانه شد.

روابط خارجی ایران با کشورهای اروپایی در دوره زندیه ثبات چندانی نداشت. کریم خان زند به دو منظور علاقه‌مند بود که با کشورهای اروپایی رابطه برقرار کند:

۱- استفاده از نیروی دریایی اروپاییان برای مقابله با شورش میرمهنا و بندریگی و اعراب بنی کعب در خلیج فارس

۲- علاقه به توسعه اقتصادی و رونق تجارت

بنابراین، کریم خان ابتدا از فرانسویان درخواست کمک کرد، اما وقتی با امتناع آنان روبه‌رو شد، با انگلیسی‌ها رابطه برقرار کرد و به آنان اجازه داد پایگاه تجاری خود را در بوشهر تأسیس کنند. تعلل و ناکامی انگلیسی‌ها در سرکوب شورش میرمهنا و تردیدی که کریم خان زند نسبت به انگیزه و اهداف آنان پیدا کرده بود،^۱ سبب شد که نه تنها با تأسیس دفاتر تجاری انگلیسی‌ها در دیگر شهرهای ایران مخالفت کند، بلکه نمایندگی آنها را در بوشهر نیز تعطیل کرد.

پرسش‌های نمونه

۱- نقش نظامی نادرشاه را در فرونشاندن شورش‌های داخلی و آزادسازی سرزمین‌های اشغالی

ایران، در سه سطر توضیح دهید.

۲- حکمرانی کریم خان زند چه تفاوت‌هایی با حاکمان قبلی داشت؟

۳- اوضاع اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی عصر افشاریه را با زمان حکمرانی کریم خان زند

مقایسه کنید.

۴- چرا کریم خان زند علاقه‌مند به برقراری رابطه با کشورهای اروپایی بود؟

۵- موقعیت سیاسی ایران را در دوران افشاریه و زندیه با دوره صفویه مقایسه کنید.

اندیشه و جست‌وجو

۱- اگر شما به جای نادرشاه بودید، برای سربلندی ایران چه اقداماتی انجام می‌دادید؟

۲- نظر خود را درباره کریم خان زند در ۵ سطر توضیح دهید.

۱- آصف، رستم‌التواریخ، ص ۳۸۳.